

فقه واجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قاضی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



The Effect of Being Muslim in Qasamah

Abolhasan Raeisi

Abstract

Qasamah is a way of proving a claim in Islamic sharia law. Qasamah is the act of one person swearing fifty times or fifty person swearing that something has happened. The questions is that if this way is exclusively for Muslims or non-Muslims living in Islamic countries has this right too? With an critical analytical approach, this article studies Qasamah according to authentic Islamic sources. The result of this study shows that Qasamah is not merely for Muslims and non-Muslims also can use it to prove their claim.

Keywords: Qasamah, Lawth, Retaliation, Islam, Kufr, deliberate Killing.



دور الاسلام والكفر في القسامة

ابوالحسن الرئسي

الخلاصة: وفقاً لرأي الشارع المقدس فإن القسامة هي أحد طرق اثبات الدعاوي والمراد منها ان خمسين شخصاً يآدون القسم او يؤدي المدعي خمسين قسماً بان القاتل هو الفلاني. ونظراً الى ان غير المسلمين يعيشون أيضاً في دول إسلامية، بما في ذلك إيران، فإن السؤال الذي يطرح نفسه هو انه هل غير المسلمين يمكنهم اثبات مدعاهم بواسطة اداء القسامة في المحاكم الاسلامية أو ان هذه الوسيلة والطريق خاصة بالمسلمين؟ وحاولنا في هذا المقال من خلال استخدام اطار نظري وبطريقة بحث وصفية وتحليلية ومن خلال النظر الى المصادر الاسلامية الاصلية دراسة موضوع الاسلام والكفر واثريهما في القسامة، وقد توصل هذا المقال الى ان القسامة هي حق ثابت لجميع الناس وعليه فهي ثابتة للكافر ايضاً. الكلمات الرئيسية: القسامة، اللوث، القصاص، الاسلام، الكفر، القتل العمدي.



جایگاه اسلام و کفر در قسامه

ابوالحسن رئیسی*

چکیده

طبق نظر شرع مقدس یکی از راه‌های اثبات دعوا قسامه است. مراد از آن، این است که پنجاه نفر سوگند یاد کنند یا مدعی پنجاه بار سوگند یاد نماید که قاتل، فلانی است. از آن‌جا که در کشورهای اسلامی از جمله ایران، افراد غیر مسلمان نیز زندگی می‌کنند که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای حقوقی هستند که از جمله آنها حق دادخواهی و اقامه دعواست این مسئله شکل می‌گیرد که آیا برای غیر مسلمانان نیز امکان اثبات دعوا به وسیله قسامه در محاکم اسلامی وجود دارد یا این طریقی انحصاری برای مسلمین است. در این نوشتار سعی شده با استفاده از چارچوب نظری و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به منابع اصیل اسلامی موضوع اسلام و کفر در قسامه مورد بررسی قرار گیرد؛ رهیافت این نوشتار آن است که بنا بر حق بودن قسامه برای همه مردم، قسامه برای کافر هم ثابت خواهد بود.

کلیدواژگان: قسامه، لوث، قصاص، اسلام، کفر، قتل عمد.

* دانش‌آموخته سطح چهارم فقه سیاسی مؤسسه آموزشی امام رضا علیه السلام وابسته به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
raisi48@chmail.ir

مقدمه

در میان علوم مختلف «علم فقه» که عهده‌دار علم شناخت حلال و حرام الهی و علم به احکام شرعیه الهی است از احترام و شرافت خاصی برخوردار است و در خود علم فقه نیز، احکامی که مرتبط به قضای اسلامی است (که ایجاد کننده عدل و قسط است) جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا عدل و قسط است که مایه ایجاد آرامش و امنیت است و نزول رحمت الهی را بر زمین و زمینیان موجب می‌شود و در میان قضای اسلامی قصاص به عنوان سمبل عدل، قسط، امنیت، آرامش و حیات شناخته می‌شود. هم‌چنین از آیات الهی استفاده می‌شود که خداوند متعال ﷻ هدف انبیاء را در رسالت خود اجرای عدل و قسط قرار داده است چه در اجتماع بشری، چه در روابط و چه در مرافعات بین آن‌ها، و یکی از راه‌های رسیدن به این امر، قصاص و مجازات‌های اسلامی است که از جمله راه‌های اثبات جرائم، علاوه بر اقرار و بینه، قسامه است که لوث مقدمه و زمینه‌ساز آن می‌باشد. زیرا مسئله خون و نفس در پیشگاه الهی از قداست خاصی برخوردار است تا جایی که فرمود: «هر کس نفسی به غیر قصاص و فساد بکشد گویا بشریت را کشته است» (آل عمران، ۳۲) و آن را از اعظم کبائر قرار داد تا جایی که اولین موضوع مورد بررسی در پیشگاه الهی خون قرار گرفت و جزای کشتن مؤمن خلود در جهنم، غضب پروردگار، لعنت او و عذاب عظیم است و احیاء یک نفس را نیز احیاء تمام بشریت است. (نساء، ۹۳) هم‌چنین روایات بسیاری در این زمینه وارد شده و یکی از راه‌های جلوگیری از خون ریزی، ناامنی و احتیاط در دماء راه، قسامه مقرر کرده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ابواب قصاص، باب ۸)

با وجود همزیستی بیش از پیش کفار و اهل ذمه در بین مسلمین، مسائل فقهی مبتلابه‌ی مورد پرسش واقع می‌شود که بعضاً کمتر مورد بررسی تفصیلی فقهی قرار گرفته و نیازمند بحث بیشتری راجع به آن است از آن جمله بحث قسامه است. سؤال این است که آیا قسامه طریقی انحصاری برای مسلمین است یا کفار نیز می‌توانند از آن برای اقامه دعوا بهره ببرند؟ به عبارت دیگر آیا در قسامه،

سوگندخوردگان باید مسلمان باشند و یا قسامه غیر مسلمان هم پذیرفته می‌شود؟ از نظر تاریخی اگرچه این بحث را شیخ مفید در کتاب مقنعه در باب «البينات علی القتل» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۳۶) مطرح کرده و پس از ایشان علمای دیگر نیز آن را در کتاب‌های فقهی خود مورد اشاره قرار داده‌اند؛ ولی دلیل قضایی نسبت به کفار به صورت منسجم بحث نشده است و از آنجا که این موضوع مبتلا به و کاربردی است بحث آن ضروری است و لذا در این نوشته به این مهم پرداخته می‌شود.

البته، در مسئله مورد گفتگو، بین فقها دو دیدگاه وجود دارد؛ ابتدا به بیان این دو دیدگاه و قائلین آن پرداخته می‌شود و سپس استدلال آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و در آخر نتیجه و قول مختار بیان می‌شود.

۱. شرطیت اسلام در قسامه

فقهای بسیاری طرفدار این دیدگاه هستند که مسلمان بودن در اعتبار قسامه شرط است و با سوگند کافر محقق نمی‌شود. محقق حلی می‌نویسد: «فی قبول قسامة الکافر علی المسلم تردد أظهره المنع». «در قبول کردن قسامه کافر بر مسلمان تردید وجود دارد که أظهر منع است». (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۱۰) و مقدس اردبیلی می‌نویسد: «لا یتثبت القسامة للکافر علی المسلم مع وجود شرائطه؛ قسامه برای کافر علیه مسلمان اگرچه شرائط آن هم وجود داشته باشد ثابت نمی‌شود». (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۰۰)

علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۸۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۹، شهید اول، بی تا، ج ۳، ص ۶۲۰)، فخر المحققین (فخر المحققین، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۶۱۸)، فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۴۰)، محقق خویی (خویی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۴۰)، و امام خمینی (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۱) در این مسئله، چنین دیدگاهی دارند.

۲. عدم شرطیت اسلام در قسامه

عده قابل توجهی از فقها در مسئله مورد بحث این دیدگاه را قبول دارند که در اعتبار قسامه، مسلمان بودن شرط نیست و سوگند کافر نیز می‌تواند محقق آن باشد.

شیخ طوسی می نویسد: «إذا كان المقتول مسلماً و المدعی علیه مشرکاً أقسم ولی الدم علی ذلك و استحقّ بلا خلاف فيه، لأن قصة الأنصار كانت مع اليهود، فان كانت بالصد و كان المقتول مشرکاً و المدعی علیه القتل مسلماً قال قوم مثل ذلك یقسم ولیه، و یتبث القتل علی المسلم، و قال قوم لا قسامة لمشرك علی مسلم، و الأول أقوى عندنا لعموم الأخبار، غیر أنه لا یتبث به القود و إنما یتبث به المال». «اگر مقتول مشرک و مدعی علیه مسلمان باشد عدهای قائلند که ولی کافر نیز به مانند ولی مسلمان سوگند می خورد و قتل بر مسلمان ثابت می شود و عدهای دیگر قائلند که قسامه ای برای مشرک علیه مسلمان نیست و لکن اقوی نزد ما قول اول (اثبات قتل علیه مسلمان) می باشد به خاطر عمومیت اخبار و لکن موجب ثبوت قصاص نمی شود بلکه فقط مال با آن ثابت می شود». (طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۷، ص ۲۱۶)

ایشان اگرچه قائل است که قسامه برای کافر وجود دارد ولی معتقد است که قسامه کافر اثبات قصاص نمی کند و فقط مال (که ممکن است مراد از آن در این جا دیه باشد و یا پرداخت مقداری پول به او باشد) را ثابت می کند.

شهید ثانی می نویسد: «فإن إثبات الکافر حقاً علی المسلم بطریق شرعی سائغ إجماعاً، و هذا منه و هذا أظهر؛ پس به درستی که اثبات حق کافر علیه مسلمان از راه شرعی به اجماع جایز است و این جا از همان موارد است بلکه این جا ظاهرتر است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۱۰).

ایشان نیز معتقد است هر جا راه شرعی برای اثبات حق کافر باشد به اجماع این امر جایز است و فرقی هم بین موارد آن نیست و در مورد قسامه هم قائل است که یکی از آن موارد است.

محقق نجفی در *جواهر الکلام* می نویسد: «فالأقوی حیثئذ ثبوتها فی الکافر کالمسلم؛ اقوی ثبوت قسامه برای کافر است همان طوری که برای مسلمان وجود دارد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۲۵۸).

مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی هم همین دیدگاه را پذیرفته است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶۲)

پس از تبیین دو دیدگاه و قائلین به این دو قول، به توضیح ادله هر دو قول پرداخته می‌شود.

۳. ادله دیدگاه اول

طرفداران شرطیت اسلام سوگند خورنده در قسامه و جایز نبودن قسامه کافر برای دیدگاه خود ادله‌ای را ذکر کرده‌اند که عمده آنها در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ۳. روایات

در دسته‌ای از روایات اهل بیت علیهم‌السلام به قسامه مسلمان تصریح شده و در دسته دیگر قسامه به صورت مطلق ذکر شده است و در جمع بین دو دسته روایت، روایات مطلق حمل بر مقید می‌شود.

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... وَقَالَ: «إِنَّمَا حُقِّنَ دِمَاءُ الْمُسْلِمِينَ بِالْقَسَامَةِ» (حر عاملی، ۱۳۶۷ش، ج ۲۹، ص ۱۵۲، ح ۳)

در دیدگاه برخی، این روایت اصطلاحاً حسن است صاحب جواهر می‌گوید: روایت حسنی است مثل صحیح. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۲۵۷) ولی در دیدگاه مشهور صحیح است (برای نمونه رک: خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۵۳؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۱۲۵؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۱۹) بنابراین سند روایت قابل استناد است.

در این روایت قسامه برای حفظ خون مسلمانان معرفی گردیده است پس به تصریح روایت، قسامه منحصر در مسلمین است و کافر نمی‌تواند از آن بهره ببرد. البته ممکن است در مقام اشکال گفته شود که روایات به یک لفظ نیامده بلکه در بعضی از روایات، جعل قسامه برای کل ناس معرفی شده است و به عنوان یک حق معرفی گردیده بدون آن که آن را مقید به شخص یا گروه خاصی کند که ظهور بسیار قوی در همه مردم دارد.

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي

عَبْدُ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَسَامَةِ كَيْفَ كَانَتْ فَقَالَ هِيَ حَقٌّ وَ هِيَ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَنَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَقَتَلَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا ثُمَّ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ وَ إِنَّمَا الْقَسَامَةُ نَجَاةٌ لِلنَّاسِ. (كلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۰) از چنین روایاتی استفاده می‌شود که مشروعیت قسامه برای همه مردم است؛ ضمن آن که جعل احکام برای همه مردم است همان طوری که مسلمانان مکلف هستند کافر هم مکلف است.

البته این اشکال قابل پاسخ است؛ چراکه روایات بر دو گونه است: بعضی مطلق و برخی دیگر مقید و در نتیجه باید مطلق را حمل بر مقید کرد؛ ولی می‌توان چنین گفت که این روایات مثبتین هستند مانند «اعتق رقبة و أعتق رقبة مؤمنة» و در مثبتین، مطلق حمل بر مقید نمی‌شود؛ بلکه به هر کدام عمل شود، صحیح است. بنابراین دلیل مقید نمی‌تواند مطلق را تقیید بزند؛ ولی اشکالی که وجود دارد این است که حصر در روایت اول ظهور در مفهوم دارد مفهومی که قسامه را در غیر مسلمان رد می‌کند؛ زیرا روایت اول این چنین معنا می‌شود: «قسامه برای غیر مسلمانان قرار داده نشده است» و در نتیجه مفهوم این روایت با روایت دوم دارای تعارض بوده و باید مطلق حمل بر مقید شود.

برای اثبات حصر می‌توان به دو صورت استدلال کرد:

راه اول استفاده از مفهوم حصر ناشی از واژه «انما» می‌باشد.

راه دوم اثبات حصر از طریق علت حکم است به این بیان که اگر تشریح منحصر در علت خاصی باشد در کلام، مفهوم شکل می‌گیرد زیرا حکم «اثباتا و نفیا» دائر مدار علت است و به اصطلاح «العلّة تعمّم و تخصّص» مانند «الخمير حرام لأنه مسکر»؛ چون می‌دانیم علت حرمت خمر سکرآور بودن آن است پس هر چه که سکرآور باشد حرام است. تا اسکار هست، حکم هم هست. گاهی پزشک به انسان می‌گوید: فلان میوه را نخور چون ترش است. در این صورت هر چیزی که ترش است نباید خورده شود و آن میوه خاص اگر هیچ‌گونه ترشی نداشته باشد قابل استفاده خواهد بود.

با این بیان که علت تشریح قسامه در روایات مربوط به قسامه، حفظ خون مسلمانان و عدم بطلان آن ذکر شده است لذا حکم باید دائر مدار این جهت

باشد؛ یعنی هر جا عدم اجرای قسامه باعث بطلان خون مسلمان شود، این حکم جاری است و هر کجا بطلان خون مسلمان پیش نیاید جاری نیست.

البته در جواب می‌توان گفت که «انما» همه جا دلالت بر حصر نمی‌کند بلکه گاهی تأکید است مانند آیه ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ﴾ (بقره، ۱۷۳) اما ما با توجه به شواهد می‌دانیم که موارد حرمت، منحصر در این موارد نیست بلکه برای تأکید است نه انحصار، بنابر این «انما» برای تأکید در حفظ خون اوست نه این که منحصر در مسلمان باشد. ثانیاً در روایات دیگری که به علل تشریح دیگری اشاره شده نیز دارای حصر است و در نتیجه حصر در مقابل حصر خواهد بود و باز روایات در وزان مثبتین محسوب می‌شوند.

در رابطه با علیت نیز باید گفت درست است که در این روایت علیت را منحصر در حقن و بازداشتن می‌داند، اما از قرائن و شواهد می‌فهمیم که تشریح منحصر در این علت نیست و به علل دیگری نیز در روایات اشاره شده از آن جمله روایت زراره است. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّمَا جُعِلَتِ الْقَسَامَةُ احتياطاً لِلنَّاسِ لِكَيْمَّا إِذَا أَرَادَ الْفَاسِقُ أَنْ يَقْتُلَ رَجُلًا أَوْ يَغْتَالَ رَجُلًا حَيْثُ لَمْ يَرَاهُ أَحَدٌ خَافَ ذَلِكَ فَاُمْتَنَعَ مِنَ الْقَتْلِ». (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۱۵۱، باب ۹، ح ۱) در این روایت که سند آن صحیح است (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۱۲۵؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۵۳) علت تشریح قسامه احتیاط در خون مردم معرفی شده است و مردم شامل مسلمان و غیر مسلمان می‌شود. در روایت صحیح (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۲۷۹؛ خوبی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۱۲۹) نقل شده: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَسَامَةِ كَيْفَ كَانَتْ فَقَالَ: «هِيَ حَقٌّ وَهِيَ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَنَا وَكَلِمَةٌ لَقَتَلَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا ثُمَّ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ وَإِنَّمَا الْقَسَامَةُ نَجَاةٌ لِلنَّاسِ». (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۱۵۴، باب ۹، ح ۸) و در روایت صحیح (شهید صدر، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۳۰) دیگر آمده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَسَامَةِ فَقَالَ: «هِيَ حَقٌّ وَكَلِمَةٌ لَقَتَلَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ وَإِنَّمَا الْقَسَامَةُ حَوْطٌ يُحَاطُ بِهِ النَّاسُ» (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۱۵۴، باب ۹، ح ۹)

تعدد تعلیل این استظهار را تقویت می‌کند که این موارد علت حکم نیستند

بلکه حکمت تشریح حکم می‌باشند و مراد از حکمت آن است که شارع مقدس مصلحتی در جعل حکم دیده و آن را تشریح کرده است و لذا ممکن است که آن مصلحت در مواردی ظهور و بروز پیدا نکند ولی چون شارع مصلحت اعم را در نظر گرفته است آن را جعل می‌کند. بنابراین نمی‌توان به مجرد بیان این حکمت از روایت، استفاده مفهوم کرد و طبق آن نظر داد.

۲ - ۳. خلاف اصل بودن قسامه

در مورد کافر شک می‌شود که آیا حق قسامه برای کافر هم ثابت است یا خیر؟ در این جا اصل عدم ثبوت حق برای کافر است. (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۶) این استدلال به این شرط که دلیلی بر خلاف آن نباشد قابل استناد است بنابراین در صورتی که روایات مطلق مورد پذیرش قرار گیرند، دیگر نوبت به این استدلال نمی‌رسد.

۱۴۳

۳ - ۳. قاعد نفی سبیل

اگر قسامه کافر پذیرفته شود موجب تسلط کافر بر مسلمان می‌شود و این در حالی است که خداوند چنین تسلطی را نفی کرده است. ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾. (نساء، ۱۴۱) سؤال این است که آیا گرفتن حق، همان سبیل و تسلط منفی است که در آیه آمده است؟!

در این جا کافر می‌خواهد حق خود را از راه شرعی بگیرد و این امر جایزی است که شهید ثانی در مسالک به آن قائل شده است و ادعای اجماع دارد. «وبهذا يظهر جواب السبيل المنفي، فإن إثبات الكافر حقًا على المسلم بطريق شرعي سائغ إجماعاً، و هذا منه. وهذا أظهر». (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۱۰)

انحصار قصاص برای مسلمان

اگر برای کافر چنین حقی ثابت شود آن وقت می‌تواند قصاص کرد و این در حالی است که اسلام چنین حقی را برای کافر قرار نداده است. به عبارت دیگر نتیجه قسامه، قصاص است و قبول قسامه کافر یعنی قبول قصاص و چون اثر

مترتب بر قسامه - که قصاص است - از لحاظ اسلام، ممتنع است در نتیجه قسامه هم ممتنع خواهد بود.

در برخی روایات صحیح (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۲۷؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۰۵) آمده که علت تشریح قسامه «مخافة القصاص» می باشد: «عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّمَا وَضِعَتِ الْقَسَامَةُ لِأَجْلِ الْحَوْطِ فَيَخْتِطُّ بِهَا عَلَى النَّاسِ لِكَيْ إِذَا رَأَى الْفَاجِرُ عَدُوَّهُ فَرَّ مِنْهُ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ» (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۳۱۹) پس ترتب قصاص که نتیجه و اثر شرعی قسامه است در جعل و تشریح آن دخالت دارد. لذا اگر در موردی قصاص مترتب بر آن نباشد دیگر قسامه جاری نمی شود و می دانیم که همه فقهای عظام قائلند که در این جا قصاص بر قسامه مترتب نمی شود؛ زیرا فرض این است که هیچ مسلمانی را به خاطر کافر قصاص نمی کنند. بنابراین قسامه برای کافر جاری نیست و این تعبیر در روایت ابن سنان آمده است. به بیان بهتر علت جعل و تشریح قسامه در این روایت چنین ذکر شده است که وقتی انسان فاجر فاسق، دشمن خود را دید از ترس قصاص ولو محیط خلوت و به دور از انظار مردم باشد به واسطه اجرای قسامه از او فرار کند و دست به قتل نزند؛ زیرا با قسامه هر آینه ممکن است قصاص شود، به جهت آن که در این جا شرط اجرای قسامه که لوث است وجود دارد و آن شرط هم دشمنی و عداوت است که باعث می شود اتهام به او متوجه شود. در نتیجه از این روایت استفاده می شود که مترتب بودن قصاص بر قسامه در علت جعل و تشریح آن مؤثر بوده، و هر کجا که نتوان قصاص کرد در نتیجه قسامه هم محقق نمی شود و جای اجرای قسامه نخواهد بود.

البته در جواب باید گفت که اولاً از ابن سنان روایت دیگری نقل شده که بیان آن گذشت و در آن علت «لقتل الناس بعضهم بعضا...» بیان شده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۱۵۴، باب ۹، ح ۹) و «مخافة الناس» مورد غالب است نه همه موارد، بنابراین اگر مخافه هم نباشد جای قصاص و قسامه هست. بنابراین این گونه موارد ظهور در علت حکم ندارند تا حکم دائر مدار آنها باشد.

ثانیاً همه قتل‌ها، عمدی نیست تا قصاص در آن ثابت باشد. ثالثاً اگر قتل، عمد هم باشد به جهت دلیل دیگر خارج شده است؛ زیرا فرض این است که مسلمانی را به خاطر کافری قصاص نمی‌کنند. بنابراین قسامه برای کافر جاری نیست و این تعبیر در روایت ابن‌سنان آمده است و ما می‌دانیم که همه موارد قسامه به قتل منجر نمی‌شود بلکه در برخی موارد به دیه منجر می‌شود.

۴ - ۳. اصل عملی

طبق اصل استصحاب تا زمانی که مجرم بودن یک شخص از آن جمله قاتل بودن وی به دلیلی معتبر ثابت نشود اصل بر عدم آن است. بنابراین قسامه کفار محکوم خواهد بود؛ زیرا اصل بر قاتل نبودن شخص مسلمان است مگر این‌که با دلیل و بیینه صحیح قتل وی ثابت شود.

اما به اصل عملی در جایی عمل می‌شود که دلیلی بر خلاف آن وجود نداشته باشد و در یک جمله می‌توان گفت: اصل در جایی معتبر است که دلیلی وجود نداشته باشد. بنابراین باید در مرحله اول وجود دلیل بر اعتبار قسامه کفار بررسی شود و در صورت عدم وجود دلیل اعتبار در این صورت، اصل عملی مرجع حکم خواهد بود.

در نتیجه، بررسی ادله شرطیت اسلام در قسامه این شده که هیچ یک از ادله مذکور کفایت لازم برای اثبات چنین شرطی را ندارد.

۴. ادله دیدگاه دوم

از آن‌جا که اعتبار قسامه خلاف اصل است، دیدگاه عدم شرطیت اسلام در مشروعیت قسامه نیازمند اقامه دلیل است. بنابراین باید دید آیا دلیل کافی برای اعتبار قسامه کافر وجود دارد بدین منظور ادله این دیدگاه در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد. عمده دلیل روایات است؛ گرچه از ادله شرطیت اسلام تقریباً ادله این دیدگاه نیز روشن شد. روایات در این باب دو دسته است روایات معلله و روایات خاص مشروعیت قسامه کفار.

۱ - ۴. اطلاق تعلیل روایات

برخی روایات معلله وجود دارد که تعلیل آنها دارای اطلاق است و شامل غیر مسلمان نیز می‌شود. در این روایات از قسامه به عنوان حق و احتیاط در خون مردم یاد شده است؛ مانند روایت زراره (حر عاملی، ۱۳۶۷ش، ج ۲۹، ص ۱۵۱، باب ۹، ح ۱) و حلبی (حر عاملی، ۱۳۶۷ش، ج ۲۹، ص ۱۵۱، باب ۹، ح ۲) که از نظر سندی مورد اعتماد هستند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۲۷۹؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۱۲۵ و ص ۱۲۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۵۳) دلالت بر این دارد که قسامه برای احتیاط در مردم و خون آنها جعل شده است. اطلاق قول امام علیه السلام در عبارات «القسامه حق و لولاها لقتل الناس بعضهم بعضا» (حر عاملی، ۱۳۶۷ش، ج ۲۹، ص ۱۵۱، باب ۹، ح ۲، ح ۹) و «القسامه نجات الناس» (حر عاملی، ۱۳۶۷ش، ج ۲۹، ص ۱۵۱، باب ۹، ح ۲) و روایات دیگر (باب ۹ و ۱۰ از ابواب قتل) حاکی است که مشروعیت قسامه برای همه مردم بوده و اختصاص به شخص یا گروه خاصی ندارد؛ البته ظهور این روایات در علت نیست بلکه بیش از حکمت از این روایات استفاده نمی‌شود ولی منافات با این استظهار ندارد که این روایات دال بر عمومیت مشروعیت قسامه باشد.

۲ - ۴. روایات خاص مشروعیت قسامه کفار

در روایتی صحیح (مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۸۵) یا مانند صحیح (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۲۸۸) از عبدالله بن سنان نقل شده که از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که آیا قسامه در سنت پیامبر جریان داشته؟ آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله [در قضیه‌ای] خواستند که یهود برای دفع اتهام قتل در برابر انصار از طریق قسامه بهره ببرند ولی انصار با این کار مخالفت کرده و حضرت پذیرفتند که آنها سوگند یاد نکنند به همین جهت حضرت دینه قتل انصاری را از بیت‌المال پرداخت کرد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۰) قریب به این مضمون در روایت دیگری از ابی بصیر نقل شده است. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: قسامه از چه زمانی ابداع شده است؟ امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: «این موضوع از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است. بعد از فتح

خیبر مردی از انصار ناپدید شد برای پیدا کردنش به جستجو پرداختند. او را درحالی که به خون آغشته بود یافتند. پس انصار به محضر پیامبر خدا ﷺ آمدند و گفتند: یهود رفیق و همراه ما را کشته است. حضرت رسول خدا ﷺ فرمودند: باید از طرف شما پنجاه نفر قسم بخورند بر این که یهود او را کشته‌اند در جواب عرض کردند: ای رسول خدا چگونه برجیزی که ندیده‌ایم سوگند یاد کنیم؟ حضرت در جواب فرمود: پس یهود باید سوگند یاد کنند. عرض کردند: ای رسول خدا چه کسی یهود را تصدیق می‌کند، آن‌ها را راستگو می‌شمرد و به سوگند آن‌ها اعتماد می‌کند؟ پیامبر خدا ﷺ فرمود: در این صورت متکفل پرداخت دیه رفیقان می‌شوم». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۲)

پیشنهاد حضرت به قسامه یهود کاشف از این است که قسامه یهود مشروعیت دارد و این همان چیزی است که ما به دنبال اثبات آن هستیم؛ چرا که قطعاً یهود خصوصیت نداشته و با الغاء خصوصیت برای همه کفار قسامه ثابت می‌شود.

۱۴۷

جایگاه اسلام و کفر در قسامه

محقق نجفی می‌نویسد: «امر پیامبر اکرم ﷺ صریح در ثبوت قسامه برای کافر است بلکه این امر، دلیل بر مشروعیت قسامه است و بنابر این که بین مدعی و منکر در قبول قسامه اتحاد باشد این امر واضح و روشن است؛ در نتیجه اقوی ثبوت قسامه برای کافر همانند مسلمان می‌باشد». (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۸)

آیت الله فاضل لنکرانی هم به همین نکته تصریح دارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶۱)

البته ممکن است به این استدلال چنین اشکال شود که پیامبر اکرم ﷺ انکار و ابای انصار را به جهت این که یهودیان کافر و مشرک هستند و قول آن‌ها صحیح نیست تقریر کرد؛ و این خود نشان می‌دهد که قسامه آن‌ها صحیح نبوده است؛ زیرا اگر انکار و ابای انصار این معنا را افاده نمی‌کرد هر آینه پیامبر ﷺ کلام انصار را تقریر نمی‌فرمودند؛ ولی در این جا باید گفت که تقریر پیامبر اکرم ﷺ علل دیگری داشته است و گرنه چه دلیلی دارد که آن حضرت، اول قسامه یهود را بیان کند و سپس از آن دست بردارند. صاحب جواهر می‌نویسد: «تقریر پیامبر اکرم ﷺ نسبت به انصار بر خودداری از پذیرش قسامه یهود و ادای دیه از جانب خودش،

یک سیاست بود (چون مصالحی در بین بود) نه این که قسامهٔ یهود جایز نباشد و اگر چنین بود هر آینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر به قسامهٔ یهود نمی‌کرد و این امر صریح در ثبوت قسامه برای آن‌هاست». (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۲۵۸)

۵. نتیجه

با توجه به کافی نبودن ادله دیدگاه شرطیت اسلام در قسامه، وجود روایات مختلفه مخصوصاً روایات قتل انصاری، امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یهود برای سوگند، هم چنین عدم فرق بین مدعی و مدعاعلیه نزد علما و اصالت اشتراک، دیدگاه عدم شرطیت اسلام در قسامه مورد تأیید است. از این رو قسامه جعل شده تا از هرج و مرج، بی‌ثباتی و ناامنی در جامعه اسلامی جلوگیری شود و به همین جهت قسامه هم در باب انواع قتل‌ها و هم در اعضا آمده است و فرقی بین عمد و غیر عمد وجود ندارد؛ زیرا بینه مخصوصاً در قتل بسیار کم است و اقرار هم نزدیک به صفر است، چون که قتل غالباً در خفا و به دور از انظار عمومی و مردم صورت می‌گیرد. بنابراین قسامه به عنوان یک حق و برای جلوگیری از هرج و مرج، خون‌ریزی و ایجاد آرامش و امنیت برای همه مردم و از جمله کافر وجود دارد.

فهرست منابع

قرآن مجید.

- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی) (۱۴۱۶ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دار الكتب الإسلامية، دوم.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق)، تنقیح مبانی الأحكام - کتاب القصاص، قم: دار الصدیقة الشهيدة علیها السلام، دوم.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷ش)، وسائل الشیعه إلى مسائل الشریعة، المكتبة الإسلامية، عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی) (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
- حلّی، حسن بن یوسف (علامه حلّی) (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
- _____ (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشریعة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلّی، محمد بن حسن (فخر المحققین) (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۰ق)، ما وراء الفقه، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، سوم.
- _____ (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الكتب الإسلامية.

- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - القصاص، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامية، دوم.
- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دوم.
- مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳ق)، أحكام النساء، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، هفتم.